

دریچه

فیلمسازان ایرانی برنده جوایز گلدن گلوبال شدند



همدلی | جایزه بهترین کارگردانی جوایز سالانه گلدن گلوبال مالزی به علیرضا قاسمی و رها امیرفضلی رسید.هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مالزی با برگزاری مراسم جوایز گلدن گلوبال و با تجلیل از استعداد‌های استثنایی سینما از سراسر جهان به پایان رسید و در نهایت علیرضا قاسمی و رها امیرفضلی برای فیلم «در سرزمین برادران» موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی در این رویداد سینمایی شدند.«در سرزمین برادران» داستانی زندگی سه عضو از یک خانواده افغان در ایران را به عنوان پناهنده دنبال می‌کنند. این فیلم به دلیل ارائه روایتی جسورانه از یک موضوع مرتبط جهانی، که روابط پیچیده خانوادگی را در میان آشفته‌گی‌های سیاسی-اجتماعی به نمایش می‌گذارد، مورد ستایش هیات داوران قرار گرفت.

«در سرزمین برادران» محصول ایران، فرانسه و هلند است و اولین نمایش آن در جشنواره ساندنس بوده که جایزه کارگردانی دراماتیک را از آن خود کرد.در سایر بخش‌های جوایز گلدن گلوبال مالزی، جایزه بهترین فیلم به «هر تو هر من» به کارگردانی «مایکل فتر ناتانسکی» تعلق گرفت. این فیلم بر ملین عاطفی همچنین جوایزی را برای «نه شوپارتز» به عنوان بهترین بازیگر زن و «مایکل فتر ناتانسکی» برای بهترین فیلمنامه به دست آورد.

فروش ۴۳۸ میلیون دلاری

فتح سینماهای جهان با ۲ شخصیت کمیک بوکی

همدلی | «دبپول» و «ولورین» با فروش ۲۰۵ میلیون دلاری در اولین آخر هفته اکران خود، باوجود داشتن درجه R، هشتمین افتتاحیه پرفروش تاریخ سینما را رقم زد.به نقل از وریایتی، «دبپول» و «ولورین»، یک ماجراجویی کمیک بوکی که ۲ شخصیت محبوب مارول را با هم در یک قاب قرار داده است، گیشه سینماهای جهان را فتح کرد.

این دنباله ابرقهرمانی در سه روز افتتاحیه‌اش ۲۰۵ میلیون دلار فروخت تا عنوان هشتمین افتتاحیه برتر تمام دوران را مال خود کند و پیش از «پلنگ سیاه» سال ۲۰۱۸ با ۲۰۲ میلیون دلار و پس از «دنیای ژوراسیک» سال ۲۰۱۵ با ۲۰۸ میلیون دلار و «انگنرزها» در سال ۲۰۱۲ با فروش ۲۰۷ میلیون دلار قرار بگیرد.این در حالی است که تنها ۹ فیلم در تاریخ هالیوود در اولین تعطیلات آخر هفته خود از مرز ۲۰۰ میلیون دلار عبور کرده‌اند.

به این ترتیب فروش بلیت این فیلم از «دبپول» سال ۲۰۱۶ با ۲۰۱ میلیون دلار پیشی گرفت تا رکورد بزرگترین افتتاحیه آخر هفته یک فیلم با درجه R را به ثبت برساند و «دبپول» محصول ۲۰۱۸ با فروش ۱۲۵ میلیون دلاری که در جایگاه سومین فروش افتتاحیه بزرگ با رتبه R است، عقب براند. اکنون این فیلم با فاصله زیادی موفق شده تا «درون بیرون ۴» دنباله موفق انیمیشن دیسکای دیزنی را که کارش را با افتتاحیه ۱۵۵ میلیون دلاری شروع و عنوان بزرگترین افتتاحیه سال را به نام خود کرده بود، جا بگذارد.

در سطح بین‌المللی، «دبپول» و «ولورین» موفق شد تا ۲۳.۲ میلیون دلار بفروش و در مجموع کارش را با فروش ۴۳۸ میلیون دلاری آغاز کند.

این فیلم که با بازی رایان رینولدز و هیو جکمن ساخته شده تنها پس از سه روز اکران، عنوان ششمین پرفروش سال ۲۰۲۴ را کسب کرده است. دیزنی حدود ۲۰۰ میلیون دلار برای تولید و تقریباً ۱۰۰ میلیون دلار دیگر برای تبلیغ فیلم هزینه کرده است.پیش‌بینی می‌شد که قسمت سوم «دبپول» که اولین فیلم از دنیای سینمایی مارول و شخصیت‌های کتاب‌های مصور آن است که مجوز آن قبلاً به فاکس قرن بیستم فروخته شده بود، حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ میلیون دلار بفروشد. در این فیلم لوگان شخصیتی که هیو جکمن ایفاگر آن است، از دوران بازنشستگی بیرون آمده و به کارگردانی شاون لوی به «دبپول» پیوسته است. این فیلم تنها در روز جمعه ۹۶ میلیون دلار فروخت که خیلی بالاتر از فروش بیشتر فیلم‌های سال ۲۰۲۴ در یک هفته افتتاحیه آنها بود.

موفقیت «دبپول» و «ولورین» یک پیروزی ضروری برای مارول هم محسوب می‌شود. اگرچه این غول کمیک در طول ۱۵ سال با ۳۳ فیلم پرفروش‌ترین فیلم‌ها را روانه بازار کرده، اما فیلم‌های اخیر آن مانند «ابدی‌ها»، «سرد مورچه‌ای و زنبور: کوانتومینیا» و «وارول‌ها» ناموفق ظاهر شدند. گفته می‌شود بخشی از این مشکل این است که از زمان راه‌اندازی سرویس استریم دیزنی پلاس، بینندگان با اسئین آف‌ها، دنباله‌ها و سریال‌های تلویزیونی بی‌شماری مواجه شده‌اند و همین موجب شد تا باب ایگر، مدیرعامل دیزنی تصمیم بگیرد تا شمار فیلم‌های تولیدی را کاهش دهد.

«باربی» فیلم پرفروش سال پیش کارش را با فروش ۱۵۵ میلیون دلاری شروع کرد و عنوان بزرگ‌ترین فروش افتتاحیه سال را از آن خود کرد و «وینچتامپر» در هفته افتتاحیه ۸۰.۵ میلیون دلار فروخت. «تاپ گان: شامی‌کم» هم در سه روز اول اکرانش در آمریکای شمالی حدود ۱۲۴ میلیون دلار در گیشه فروش کرده بود.

فرهنگ وهنر

کج‌سلیقگی در طراحی لباس ورزشکاران المپیکی ایران ادامه دارد

از ریو تا پاریس!



سری بعد برگزاری مسابقات المپیک، دقت نظر بیشتری در موضوع طراحی لباس به خرج دهند و از صاحب‌نظران حوزه مشورت بگیرند تا علاوه بر رعایت‌اصول اولیه این کار، بتوانند طرحی را نهایی کنند که بیانگر بخشی از فرهنگ ایرانی نیز باشد. اما سه سال پس از این ماجرا مقرر شد، کمیته ملی المپیک ایران و کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور با همراهی طراحان برجسته، رویداد هنر و صنعت مد در طراحی لباس کاروان ورزشی ایران را برای حضور در المپیک تابستانی توکیو ۲۰۲۰ طراحی کنند که بر این اساس، فراخوانی برای طراحی لباس کاروان ایرانی حاضر در المپیک ۲۰۲۰ توکیو منتشر شد اما بعد از گذشت دو

سال از زمان انتشار این فراخوان، بعد از رونمایی

از لباس کاروان ایران برای المپیک توکیو ۲۰۲۱، مجدداً موج انتقادهای گسترده‌ای از سوی فعالان موضوع این احتمال را تقویت می‌کرد که شاید در همان مهلت کوتاه ۵ روزه به آغاز بازی‌ها، بالاخره مراسم رونمایی رسمی از لباس ورزشکاران انجام شود اما در نهایت این اتفاق رخ نداد. البته تصمیم اتخاذ شده با توجه به حواشی رونمایی از لباس ورزشکاران المپیکسی در دو المپیک ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ چندان هم دور از ذهن نبود. اما این قصه

تکراری از چه زمانی آغاز شد؟

سال ۹۵ بعد از رونمایی از لباس کاروان ایرانی برای المپیک ریو، لباس‌های طراحی شده سوزه رسانه‌ها، کارشناسان و حتی افراد عادی شد که تخصصی در حیطه مد و لباس نداشتند. برخی به شوخی‌وبرخی‌با تندترین‌لحن ممکن انتقاداتی را درباره لباس طراحی شده که خالی از هرگونه نماد ایرانی بود، مطرح می‌کردند. لباسی که با تزئین رنگ سوسورمه‌ای، آبی و نارنجی طراحی شده بود نبود پشتوانه فکری و هنری قابل قبول برای طراحی آن بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌آمد.

در این شرایط انتقادات به لباس طراحی شده آتقدر بالا گرفت که سرانجام لباس ورزشکاران برای المپیک ریو تغییر کرد و اعضای تیم با لباس‌های دیگری عازم مسابقات شدند. تغییری که این نوید را می‌داد که احتمالاً مسئولان برای

مختلف ملی خود طراحی کرده بودند را منتشر کردند. لباس‌هایی که تصاویر آنها نشان می‌دهد بر لباس‌های این دوره نشد و به جز یک تصویر بی‌کیفیت منتشر شده از لباس زنانه رژه رسمی، به فاصله چند روز انتشار عکس کت مردانه لباس رژه رسمی، تنها چند عکس سلفی و یادگاری که خود ورزشکاران گرفته و در فضای مجازی منتشر کردند تا حدی لباس‌های آنها را نشان می‌داد. تا اینکه روز گذشته (پنج‌شنبه -۴ مرداد)

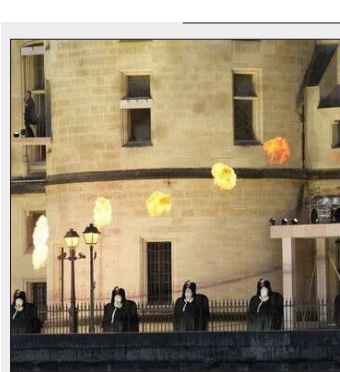
ملی المپیک ایران و کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور با همراهی طراحان برجسته، رویداد هنر و صنعت مد در طراحی لباس کاروان ورزشی ایران را برای حضور در المپیک تابستانی توکیو ۲۰۲۰ طراحی کنند که بر این اساس، فراخوانی برای طراحی لباس کاروان ایرانی حاضر در المپیک منتشر شد. بر اساس همین تصاویر مشخص شد که لباس رسمی کاروان ایران در مراسم افتتاحیه به رنگ سفید و سرمه‌ای تیره است. در واقع لباس مردان کت سفید، تیشرت سرمه‌ای تیره و شلوار تیره و لباس زنان هم ماتوی سفید به همراه شلوار تیره رنگ است. این تصاویر نشان می‌دهد حتی برای پوشش سر زنان نیز مقنعه، شال و پاروسری خاص و ویژه‌ای طراحی نشده و به یک مقنعه ساده تیره رنگ بسنده شده است.

با انتشار تصاویر در فاصله زمانی کوتاهی، لباس رژه رسمی ورزشکاران المپیک دستمایه شوخی و انتقاد کاربران شبکه ایکس (تویتر سابق) قرار گرفت. عده‌ای لباس زنانه را کاملاً شبیه به رپوش سفید کادر درمان توصیف کرده بودند و عده دیگر نوشته بودند: «لان کجای این لباس قراره نشون

بده ورزشکارای ایرانی دارن رژه می‌رن؟». پیگیری‌ها تا لحظه انتشار این گزارش حاکی از آن است که در طراحی لباس ورزشکاران برای المپیک ۲۰۲۴ پاریس برخلاف المپیک توکیو، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارگروه ساماندهی مد و لباس نقشی نداشته‌اند. هر اقدامی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته مربوط به کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش و جوانان است.

جذاب‌ترین لباس‌های کاروان‌های ورزشی در المپیک

این اتفاقات و چالش‌های تکراری اما در شرایطی رخ داده است که سایر کشورها پیش از آغاز مسابقات، تصاویر لباس‌هایی که بر اساس مبنای



اشتراک گذاشت، اشاره دارد و به طور کلی موضوعی حائز اهمیت در هنر مسیحیت است.

در کنار این‌ها، تصویر عجیب دیگری که در مراسم افتتاحیه المپیک پاریس، انتقادات فراوانی را به دنبال داشت، مشعل‌به‌دستی استنوب داد. رپر معروف آمریکایی بود. کاربران مختلفی از این موضوع انتقاد کرده‌اند که چرا باید یکی از مبلغان مصرف مواد مخدر به صورت علنی، مشعل‌دار یکی از بزرگترین رویدادهای ورزشی جهان باشد!

توماس جولی، مدیر هنری مراسم افتتاحیه، هنگامی که در یک کنفرانس خبری از او درباره برخی از واکنش‌ها پرسیده شد، از تولید خود دفاع کرد و گفت که از انتقادهایی خبر است و صرفاً قصد داشته‌اند از تمام اقشار جامعه در افتتاحیه استفاده کنند! او در نشست خبری کمیته بین‌المللی المپیک گفت: «وقتی می‌خواهیم مردم را در برگیریم و کسی را حذف نکنیم، سوالاتی مطرح می‌شود. موضوع ما توطئه‌گرانه و مخرب نبود. هرگز چنین قصدی نداشتیم. تنها می‌خواستیم در مورد تنوع صحبت کنیم. تنوع یعنی با هم بودن.»

او ادامه داد: «می‌خواستیم همه را به همین سادگی سهیم کنیم. ما در فرانسه آزادی خلق و آزادی هنری داریم». این سخنان مدیر هنری مراسم افتتاحیه المپیک در حالی مطرح می‌شود که بسیاری از کاربران خشمگین شبکه‌های اجتماعی، تصاویر و پرفورمنس‌های اهانت‌آمیز علیه مقدسات مسیحیان و البته کانون خانواده را نوعی از حمله اخلاقی و مخالف آزادی بیان و عقیده دانسته‌اند.

رویداد

بازارچه لاله موزه هنرهای معاصر باید تخلیه شود
عزم ملی چاره است!



همدلی | محمد خراسانی‌زاده با اشاره به مالکیت قطعی موزه هنرهای معاصر تهران بر بازارچه لاله واقع در ضلع شمالی موزه، درخواست کرد برای حل این معضل و تخلیه این فضا از غرفه‌های موجود، عزم ملی شکل بگیرد.

یکی از مشکلات موزه هنرهای معاصر تهران در طول سال‌های سال، تخلیه بازارچه لاله از غرفه‌های موجود و بازگشت این محوطه به فضای موزه بوده است. پیش از این نیز خبرنگاران از مدیرکل‌های پیشین تجسمی همچون مجید ملانوروزی و هادی مظفری درباره این موضوع پیگیری کرده بودند که در دوره هر کدام بر تخریب و تخلیه این فضا از محوطه بازارچه تاکید کرده بودند و حتی مجید ملانوروزی در گفت‌وگویی با عنوان «برخی درصد تصاحب موزه هنرهای معاصر هستند/ سوپرمن نبودم» از این موضوع به عنوان حسرت بزرگش یاد کرد.

او در این زمینه بیان کرده بود: بدترین حسبی که شاید همیشه داشته باشم این است علیرغم تلاش‌های فراوان نتوانستم بازارچه بین موزه هنرهای معاصر تهران و موزه فرش را تعطیل کنم و فضای آن را در اختیار موزه هنرهای معاصر تهران قرار دهم و این حسرت بر دلم ماند.

اما طی ۲ سال گذشته، طبق کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها، حکم تخلیه این غرفه‌ها از بازارچه لاله به صورت قطعی اعلام شده است و قرار بر این بوده که این غرفه‌ها در فضایی جایگزین (باغ کتاب) مستقر شوند اما این موضوع نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به همین بهانه و پایان دولت سیزدهم و استقرار دولت جدید، مساله بازارچه لاله را با مدیرکل هنرهای تجسمی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران مطرح کردیم.

محمد خراسانی‌زاده مدیرکل هنرهای تجسمی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران با اشاره به بازارچه لاله، از اهالی رسانه درباره حل این معضل درخواست کمک کرد و توضیح داد: افرادی که هم اکنون در بازارچه لاله حضور دارند، آدم‌های شریفی هستند و تک تک آنها عزیزند و علاقه‌مند نیستیم که کوچکترین آسیب اقتصادی در آنها وارد شود اما اگر عزمی ملی شکل بگیرد، امکان اینکه فضای بسود چون ما در فضایی که موزه هنرهای معاصر تهران و این گنجینه گرانبهای فرهنگی و هنری قرار دارد، و به واسطه اشتغال‌زایی برخی، ظرفیت‌های این فضا را از دست داده ایم. فضای بازارچه لاله بخشی از محوطه موزه و قسمتی از طراحی موزه بوده که تا سال ۱۳۶۸ نیز توسط موزه مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

خراسانی‌زاده درباره اینکه غرفه‌های موجود در بازارچه لاله اجاره پرداخت می‌کنند، گفت: موزه هنرهای معاصر تهران با وجود اینکه رسماً صاحب فضای بازارچه لاله است اما به هیچ وجه اجاره‌ای از این غرفه‌ها دریافت نمی‌کند و هیچ‌کسی به جز موزه مالکیتی بر این فضا ندارد. در این فضا در سال ۱۳۶۸ بر اساس تفاهنامه‌ای بین وزارت کار و موزه هنرهای معاصر تهران برای بازه زمانی یک ساله و برای تعداد ۷۵ غرفه برای اشتغال زایی در حوزه‌های مرتبط با فرهنگ و صنایع دستی در اختیار این غرفه‌ها قرار گرفته است.

او افزود: هم اکنون این بازارچه فرهنگی نیست و حتی رتارهای خارج از قاعده نیز در حال شکل گرفتن است و غرفه‌ها بدون ضابطه توسعه پیدا کرده‌اند.

سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران درباره باغ کتاب و فضایی جایگزین این بازارچه، گفت: باغ کتاب در حد گمانه‌زنی بوده و هیچ وقت قطعی نبوده است. هر تصمیمی که در این مورد گرفته می‌شود باید تصمیم ملی باشد و کمترین آسیب به عزیزی که در آنجا مستقر هستند، وارد شود. مشابه این مورد را قبلاً داشته‌ایم؛ همچون بازارهای میوه و تره‌بار که برای شکل‌گیری آنها، عزمی ملی شکل گرفت و شهرداری محل‌هایی را برای این موضوع اختصاص داد. بازارچه لاله نیز چون به عنوان مرجع خرید مردم شناخته شده است، باید مکانی جایگزین برای آن در نظر گرفت. بازارچه لاله مشمول حکم قطعی کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها است، یعنی حتماً باید این فضا از غرفه‌های موجود تخلیه شود. در دوره‌های مختلف نیز اقدام‌هایی صورت گرفته بود اما چون موضوع معیشت این دوستان مطرح بوده، فعلاً اقدامی اجرایی صورت نگرفته است. خراسانی‌زاده در پایان گفت: با تقابل در مورد این موضوع نمی‌توانیم به نتیجه برسیم و در این ارتباط باید دست به دست دهیم و همه ما با همه کسانی که در آنجا ذینفع هستند، گفت‌وگو کنیم تا اقدامی مؤثر انجام شود. بعید می‌دانم عمر مدیریتی ما برای به نتیجه رسیدن این موضوع قد بدهد اما تلاش کرد ضوابط قابل اجرا را برای دوستان توضیح بدهم و اگر این همراهی شکل می‌گرفت، قطعاً بازارچه لاله می‌توانست مجدداً به محوطه موزه هنرهای معاصر تهران و محلی برای هنرمندان و خلق آثار هنری تبدیل شود.